

## بررسی جامعه‌شناختی علل اهتمام نظام جمهوری اسلامی ایران به مسأله‌ی پوشش بانوان

سید علی محمد موسوی<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۵

### چکیده:

فتنه پاییز سال (۱۴۰۱) سبب گردید تا بسیاری از تحلیل‌گران مسائل سیاسی و جامعه‌شناسی، این پرسش را مطرح کنند که چرا و تا کجا جمهوری اسلامی ایران، حاضر است برای حجاب بانوان در جامعه، هزینه بدهد؟ در این میان برخی افراد با نگاهی تک بعدی، این مطلب را صرفاً ایدئولوژیک دانسته و برخی دیگر آن را سیاست حاکمیت برای حفظ طرفدارانش، عنوان کردند. هدف پژوهش حاضر، بررسی علل و عوامل اصلی اهمیت و ضرورت این امر در نظام جمهوری اسلامی است. سوال اصلی این است که چرا نظام جمهوری اسلامی، با وجود مشکلات متعدد داخلی و خارجی، بر رعایت یک واجب اجتماعی، تا این حد اصرار دارد؟ این تحقیق با روش تحلیلی - توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، به بررسی این مسأله می‌پردازد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اهمیت فراوان حجاب نزد امامین انقلاب به عنوان ترسیم‌کنندگان سیاست‌های کلی نظام که آن نیز بر اساس ملاحظه‌ی مصالح و مفاسد این امر در نزد ایشان است، مهمترین دلیل این امر است. جامعه‌شناسان و عقلا‌ی جامعه نیز دلایلی مانند وجهه‌ی فرهنگی و هویتی پوشش، اختلال نظام و مقدم بودن حقوق اجتماعی بر فردی را در باب ضرورت پوشش، مطرح کرده‌اند که موید نگاه امام (ره) و رهبری (مدظله‌العالی) به مسأله‌ی پوشش بانوان است. همچنین بر خلاف تبلیغات دشمنان، حجاب مانع فعالیت زنان در عرصه اجتماع نیست و بهترین گواه بر این امر، حضور فعال زنان با پوشش اسلامی در عرصه‌های مختلف جامعه مانند معلمی، استادی، پزشکی و ...، به خصوص پس از انقلاب اسلامی ایران است.

**واژگان اصلی:** جمهوری اسلامی، پوشش، بانوان، حجاب، مصالح.

۱. استادیار گروه معارف دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی (ره)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

## مقدمه

حجاب از واجبات دینی است و هرگونه بدحجابی از طریق آشکار کردن مو، آرایش‌ها و زینت‌ها در نزد نامحرم و جلوه‌گری با لباس‌های نازک، تنگ، با مدل‌های مخصوص و رنگ‌های مهیج نمونه بارزی از گناهان جنسی و جنسیتی است که به بسیاری از گناهان دیگر در جامعه دامن می‌زند و دارای عواقب اخروی خاص خود است که در آیات و روایات بدان پرداخته شده است.

بر اساس آیات قرآن کریم، بدحجابی و بی‌حجابی از مصادیق آیه ۱۹ سوره نور می‌باشد که خداوند متعال برای آن عذاب دردناکی را در نظر گرفته است: «لَا الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»: «کسانی که دوست دارند زشتی‌ها در میان مردم با ایمان شیوع یابد، عذاب دردناکی برای آنان در دنیا و آخرت است» علامه طباطبایی در تفسیر المیزان ج ۱۵ ذیل این آیه‌ی شریفه فرموده‌اند: مقصود از فاحشه مطلق فحشاء است. (طباطبائی، ۱۳۷۴:

۱۳۳/۱۵) و مقصود از مطلق فحشاء، یعنی هر گناهی که آشکار باشد. (تقفی، ۱۳۹۸ق: ۲۹۷/۱)

خداوند برای ارتباط با مردم و هدایت آن‌ها به مسیر سعادت، بر اساس حکمت خود پیامبرانی را از میان آنان برگزیده و به سوی آن‌ها فرستاده است. این پیامبران ابتدا از طریق ارائه معجزاتی به مردم، اطمینان آن‌ها را جلب کرده و سپس فرامین الهی را برای آن‌ها بیان می‌کردند. آخرین پیامبر الهی حضرت محمد (ص) است که دین اسلام را برای مردم آورد و یکی از تعالیم این دین، امر به رعایت پوشش مناسب و خاص، در جامعه و در مواجهه با نامحرم است.

هرچند امر به زیبایی و زیبا پوشی، مورد تاکید روایات است، اما تنها ملاک لباس زیبا بودن آن نیست، بلکه به بیان دیگر باید میان این روایات با روایاتی که دستور به حفظ حیا و عفت، بیان نحوه مواجهه با نامحرم و... می‌دهند؛ جمع کرد و مخصوصاً در مورد زنان باید گفت، این توصیه به زیبایی در لباس و زینت و... مختص زمان حضور زن در کنار شوهرش می‌باشد، اما به هنگام حضور در جامعه و یا در برخورد با نامحرم، باید آنچه در آیات و روایات دیگر این فصل بیان شد نیز حتماً مورد توجه قرار گیرد.

از دیدگاه فمینیست‌ها، حجاب بیش از خاصیت پوشانندگی، به جنسیت زن اشاره دارد. در واقع گویی اسلام زن را خطری بالقوه برای امنیت اخلاقی جامعه می‌داند و برای پیشگیری از فتنه، دستور به رعایت حجاب زنان در اجتماع داده است. همچنین آنها تشریح حکم حجاب را متعارض با اصول برابری اجتماعی میدانند. (دانشنامه جهان اسلام، مدخل حجاب)

این ادعاها در حالی است که انسان از دیر باز برای حفظ نظام اجتماعی و ادامه حیات بشری

خود، ناگزیر از وضع قوانین مشخص اجتماعی بوده است. هر چند که این قوانین باز دارنده و ایجاب کننده به خودی خود، محدودیت‌هایی را برای افراد به وجود می‌آورد، ولی آنچه مسلم است، قوانینی که قانون‌گذاران مصلح و متعهد به مبانی و اصول اخلاقی وضع می‌نمودند؛ در جهت منافع جمعی انسان‌ها بوده است. از این رو تخلف و عدم تمکین به این قوانین در بسیاری موارد نه تنها موجبات ضرر به قانون شکن می‌شد؛ بلکه سلامت روانی و زیستی دیگران را نیز در مواردی به مخاطره می‌انداخت.

جامعه دینی را با نوع پوشش زنان آن می‌توان شناخت. همچنین با مطالعه کتاب‌های مربوط به اندلس (مانند تاریخ تحلیلی اندلس، اثر محمدرضا شهیدی پاک؛ تاریخ امویان در اندلس، اثر عبدالمجید نعیمی و ...). به ضرورت بحث نهادینه سازی حجاب در جامعه‌های دینی و نقش دولت‌ها در این باره پی برده می‌شود. به طور کلی، هرگاه فرهنگ عفاف و حجاب نهادینه شود، جامعه از تندباد تهاجم فرهنگی در امان می‌ماند. (کیکاووسی، ۱۳۹۸: ۲)

پژوهش حاضر در صدد این است تا نشان دهد که لزوم پوشش به خصوص پوشش بانوان در جامعه، علاوه بر مبانی و دلایل نقلی (کتاب و سنت)، دارای مبانی عقلی و عقلانی (مانند سیره عقلاء بر لزوم محافظت از امور ارزشمند، قاعده اختلال نظام و همچنین مصالح اجتماعی فراوانی) نیز هست که هر انسان منصف و عاقلی به ضرورت آن اعتراف می‌کند، و بر همین اساس هم هست که تا این حد مورد تاکید و تشویق نظام جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است.

### مفهوم‌شناسی

**حجاب:** حجاب در لغت به معنای مانع، چیزی که بین دو چیز جدایی افکند، پوشاندن و پوشش (ستر) است. (زبیدی، ۱۹۹۴م؛ ابن منظور، ۱۳۷۵ق: ذیل واژه حجاب) امروزه واژه حجاب در زبان عامه مردم و متون فقهی، به معنای پوشش شرعی زنان به کار می‌رود. واژه حجاب، هفت بار در قرآن کریم به معنای مانع و حائل به کار رفته است. در آیه ۵۳ سوره احزاب که آیه حجاب خوانده می‌شود، به مردان دستور داده شده با همسران پیامبر از پشت پرده (مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ) سخن بگویند. (طباطبائی، ۱۳۷۵: ج ۱۶، ۳۳۷)

حجاب، به معنای پوشش اسلامی بانوان، دارای دو بُعد ایجابی و سلبی است. بُعد ایجابی آن، وجوب پوشش بدن و بُعد سلبی آن، حرام بودن خودنمایی به نامحرم است؛ و این دو بُعد باید در کنار یکدیگر باشد تا حجاب اسلامی محقق شود.

**پوشش:** پوشش اسم مصدر است از پوشیدن و عمل پوشیدن. (دهخدا، ذیل واژه پوشش) حالت پوشیده بودن را پوشش گویند. از پوشش به مناسبت در باب‌های طهارت، صلات، حج، نکاح و طلاق سخن رفته است. پوشش به لحاظ عمل پوشیدن و نیز پوشیدنی، دارای احکامی در اسلام است. (دانشنامه اسلامی، ذیل واژه پوشش)

شهید مطهری در مورد رابطه حجاب و پوشش می‌گوید: «شاید بتوان گفت که به حسب لغت هر پوششی حجاب نیست. آن پوششی حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن، صورت می‌گیرد.» (مطهری، ۱۳۸۵: ۶۷)

با توجه به آن چه گذشت، به نظر می‌رسد معادل دقیق اصطلاح پوشش در زبان عرب، واژه «ستر» است. بیشتر فقیهان نیز از این واژه استفاده کرده‌اند. (همان)

پوشش در معنای خاص خود؛ همان پوشش مدنظر ادیان است که در دین اسلام به عنوان آخرین دین آسمانی و همچنین جامعه ایرانی، با لفظ حجاب از آن یاد می‌شود، بنابراین در این پژوهش، مقصود ما از پوشش همان حجاب خواهد بود.

### ۱. دلایل اجتماعی اهمیت پوشش از منظر امامین انقلاب

امام (ره) و رهبری (مدظله العالی) همواره و به مناسبت‌های مختلف، به مصالح حجاب و مفاسد بی‌حجابی اشارات فراوانی داشته‌اند تا مخاطبان را متوجه این امر کنند که دستور اسلام مبنی بر لزوم رعایت حجاب در جامعه، صرفاً یک مسأله‌ی تبعیدی صرف نیست، بلکه شارع مقدس به عنوان خالق انسان‌ها، حکمت و مصلحت فراوانی را در این امر دیده و از همین جهت به آن دستور داده است. به بیان دیگر احکام الهی تابع مصالح و مفاسد واقعی هستند که امامین انقلاب به عنوان دو فقیه و اسلام‌شناس برجسته، با تفکر و تدبیر در زوایای مختلف این دستور الهی توانسته‌اند بسیاری از حکمت‌های این حکم را دریابند و آن را به مردم انتقال دهند.

امام خمینی (ره) رعایت حجاب توسط بانوان در اجتماع را حافظ ارزشهای واقعی انسان دانسته و می‌فرماید: «باید توجه داشته باشید که حجابی که اسلام قرار داده است، برای حفظ آن ارزش‌های شماسست. هر چه را که خدا دستور فرموده است - چه برای زن و چه برای مرد - برای این است که، آن ارزشهای واقعی که این‌ها دارند و ممکن است به واسطه وسوسه‌های شیطانی با دستهای فاسد استعمار و عمال استعمار پایمال می‌شدند. این‌ها، این ارزش‌ها زنده بشود. (صحیفه امام؛ ج ۱۹: ۱۸۵)»

ایشان دستور دین به رعایت حجاب را خلاف آزادی ندانسته، بلکه آن را در جهت ترویج عفاف بانوان می‌دانند: «حجاب به معنای متداول میان ما، که اسمش حجاب اسلامی است، با آزادی مخالفتی ندارد؛ اسلام با آنچه خلاف عفت است مخالفت دارد. و ما آنان را دعوت می‌کنیم که به حجاب اسلامی رو آورند. و زنان شجاع ما دیگر از بلاهایی که غرب به عنوان تمدن به سرشان آورده است به ستوه آمده‌اند و به اسلام پناهنده شده‌اند. (صحیفه امام؛ ج ۵: ۵۴۱)»

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) خطر جاذبه‌ی جنسی برای خانواده و جامعه را بسیار جدی دانسته و در این باره می‌فرمایند: «در همین مباحثی که خانمها اشاره کردید که دارید کار میکنید، این مسئله‌ی جاذبه‌ی جنسی و خطر جاذبه‌ی جنسی برای زن و برای مرد و برای جامعه و برای خانواده، این را به نظر من خیلی بایستی جدی گرفت.» (۱۳۹۲/۰۲/۲۱؛ بیانات در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته‌ی حوزوی و دانشگاهی)

ایشان معتقدند که عدم رعایت حجاب و عفاف در جامعه، آثار مخرب ماندگار و جبران ناپذیری دارد: «برای حفظ عزت کشور و پیشرفت کشور، وضع حجاب را، وضع عفاف را، وضع تقیدات و پایبندی را خانمها باید مراقبت کنند؛ این وظیفه است. خودنمایی و جلوه‌فروشی، یک لحظه است و آثار سوء آن برای کشور، برای جامعه، برای اخلاق، حتی برای سیاست، آثار مخرب و ماندگار است؛ در حالی که ملاحظه‌ی عفاف، ملاحظه‌ی حدود شرعی در رفتار و حرکات بانوان، اگر چنانچه سختی‌ای داشته باشد، سختی کوتاهی است، اما آثارش، آثار عمیق و ماندگاری است. خود خانمها خیلی باید مراقبت کنند مسئله‌ی حجاب را، مسئله‌ی عفاف را؛ وظیفه‌ی آنهاست، افتخار آنهاست، شخصیت آنهاست.» (۱۳۹۱/۰۲/۲۳؛ بیانات در دیدار جمعی از مداحان سراسر کشور)

ایشان همچنین سوءاستفاده دشمنان از مسئله‌ی حجاب و تمرکز بر آن را نشانه‌ی اهمیت فراوان این امر می‌دانند: «اگر در یک جامعه‌ای مسئله‌ی آرایش زنان و تبرج زنان در محیط‌های عمومی محکوم شود، جنجال بلند خواهد شد. اگر نقطه‌ی مقابل آن انجام بگیرد - یعنی در یک جامعه‌ای عریانی زنان مطرح شود - هیچ سر و صدائی در دنیا بلند نمیشود. اما وقتی پوشش زن، عدم تبرج زن، آرایش نکردن زن در جامعه مطرح شود، دستگاه‌های مسلط تبلیغاتی دنیا سر بلند میکنند، جنجال میکنند؛ این نشان‌دهنده‌ی این است که یک فرهنگی، یک سیاستی، یک راهبردی وجود دارد که سالهای متمادی است دنبال میشود و پایه‌اش این است که این جایگاه، این شأن، این موقعیت غلط و اهانت‌آمیز را برای زن تثبیت کنند؛ و متأسفانه کردند.» (۱۳۹۰/۰۳/۰۱؛ بیانات در دیدار جمعی از بانوان نخبه)

مقام معظم رهبری (مدظله العالی) سلامت جامعه را در گروی رعایت حجاب و عفاف دانسته و یکی از جنایات‌های رژیم طاغوت را کشف حجاب بانوان می‌داند: «یکی از جنایات بزرگ رژیم طاغوت، همین مسئله‌ی هفده دی هست. کشف حجاب، از بین بردن آن حائل و فاصله‌ای که در اسلام میان دو جنس قرار داده شده است - که این برای سلامت زن و سلامت مرد است؛ برای سلامت جامعه است - تا همان بلائی که بر سر زن در جوامع غربی آمد، بر سر زن مسلمان ایرانی بیاورند. این اقدام را با چماق، رضاخان در داخل کشور انجام داد.» (۱۳۸۶/۱۰/۱۹؛ بیانات در دیدار مردم قم در سالروز قیام نوزدهم دی‌ماه)

ایشان همچنین معتقدند که رشد و پیشرفت زنان، تعارضی با رعایت حجاب آنان در جامعه و محیط کار و تحصیل و ورزش ندارد: «اینکه گفته می‌شود - و البته هنوز هم بعضیها با غفلت تمام می‌گویند - مگر میشود با حجاب و با رعایت حدود شرعی و اسلامی، جامعه‌ی زنان رشد کند، تکلیف مسأله‌ی زن در نظام اسلامی چه میشود، این جواب عملیاش، جواب عینیش، همین وجود مجموعه‌ی عظیم نخبگان زن در جامعه‌ی ماست، که هیچ وقت ما در کشور چنین وضعی را نداشتیم؛ در دوره‌ی طاغوت هم نبوده، قبل از آن هم که وضع تعلیم و تربیت از جهت دیگری اشکال داشته. امروز در نظام اسلامی بحمدالله این فراهم است. حالا تعداد بیشتر برگزیدگان دختر در دانشگاه‌ها و امثال آن، اینها مسائل درجه‌ی دو است؛ مسأله‌ی درجه‌ی یک این است که همین مجموعه‌ی زنان نخبه توانسته‌اند در نظام جمهوری اسلامی در بخشهای مختلف بدرخشند.» (۱۳۸۶/۰۴/۱۳؛ بیانات در دیدار بانوان نخبه در آستانه سالروز میلاد حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها))

یکی دیگر از مصالح اجتماعی حجاب که مورد تاکید معظم له نیز قرار گرفته، پیشگیری از تعدی و تجاوز به زنان است: «اسلام به مسأله عفاف زن اهمیت میدهد. البته عفاف مرد هم مهم است. عفاف مخصوص زنان نیست؛ مردان هم باید عقیف باشند. متنها چون در جامعه، مرد به خاطر قدرت جسمانی و برتری جسمانی، میتواند به زن ظلم کند و برخلاف تمایل زن رفتار نماید، روی عفت زن بیشتر تکیه و احتیاط شده است. شما امروز هم که در دنیا نگاه کنید، ببینید یکی از مشکلات زنان در دنیای غرب، بخصوص در کشور ایالات متحده آمریکا، همین است که مردان با تکیه به زورمندی خودشان، به عفت زن تعدی و تجاوز میکنند.» (۱۳۷۶/۰۷/۳۰؛ بیانات در دیدار جمعی از زنان)

خانواده به عنوان رکن رکن جامعه و یکی از مهمترین نهادهای هر اجتماعی، از اهمیت بسیار والایی برخوردار است که عدم رعایت حجاب و عفاف به خصوص در جامعه، این نهاد مقدس را

در معرض فروپاشی و نابودی قرار می‌دهد: «رابطه زن و مرد در محیط خانواده به‌گونه‌ای است، و در محیط جامعه، به‌گونه‌ای دیگر است. اگر آن ضوابطی که اسلام در محیط جامعه به عنوان حایل بین زن و مرد قرار داده است، بشکند، خانواده خراب می‌شود. در خانواده، غالباً به زن و گاهی هم به مرد، ممکن است ظلم شود. فرهنگ اسلامی، فرهنگ عدم اختلاط زن و مرد است. چنین زندگی‌ای با خوشبختی ادامه می‌یابد و میتواند به درستی و با رعایت موازین عقلی بچرخد و حرکت کند و به پیش برود. در این‌جا اسلام سختگیری کرده است. اگر آن حدّ و مرزی که در جامعه قرار داده شده است، چه از طرف زن و چه از طرف مرد بشکند، اسلام در مقابل آن سختگیری میکند؛ درست نقطه مقابل آنچه که شهوترانان عالم میخواستند و عمل میکردند. قدرتمندان و زرمندان و زورمندان، مردشان، زنشان و زیردست‌هایشان و کسانی که با آنها و برای آنها زندگی میکردند، همیشه عکس این عمل میکردند. آنها مایل بوده‌اند که این حجاب بین زن و مرد، از بین برود، که این، البته برای زندگی جامعه مضرّ و برای اخلاق جامعه بد است. برای حفظ عفت جامعه زیانبار و بخصوص برای خانواده از همه چیز بدتر است. این، بنیان خانواده را متزلزل میکند.» (۱۳۷۳/۰۷/۲۰؛ بیانات در دیدار جمعی از پرستاران)

## ۲. دلایل عقلاء بر ضرورت پوشش در اجتماع

### سیره عقلاء

سیره عقلاء یا بنای عقلاء، به معنای روش و سلوک عملی خردمندان بر انجام دادن یا ترک کاری بدون دخالت و تأثیر عوامل زمانی، مکانی، نژادی، دینی و گروهی است. (ولایی، ۱۳۸۷: ۲۴۳)

یکی از بحث‌های اصولی مطرح شده در هنگام بحث از سیره عقلاء؛ تفاوت آن با سیره متشرعه است که در این‌جا نیز اشاره کوتاهی به آن می‌کنیم. اقوال اصولیون در این زمینه فراوان و مفصل است. برای مثال شهید صدر در این زمینه معتقد است که سیره متشرعه با وجود شرایط حجیت، به‌طور مستقل نشان‌دهنده دیدگاه معصوم است، اما سیره عقلاء، حتی بر فرض جریان داشتن میان عقلائی عالم، باز هم احتمال دارد که شارع، آن را قبول نداشته و رد کند. (صدر، ۱۴۱۷ق: ۲۴۸/۹) در واقع از نظر ایشان سیره عقلائی به تنهایی نمی‌تواند کاشف از قول شارع مقدس باشد و علاوه بر جریان سیره، لازم است که عدم ردّ و نهی از طرف شارع نیز در آن مورد اثبات شود؛ اما در اینجا به عنوان موید و مکمل بحث دینی حجاب، می‌توان به آن استناد کرد.

پس از بیان مقدمات فوق باید گفت، استفاده از پوششی مناسب در اجتماع که اولاً مانع

رسیدن گرما و سرما به بدن باشد و ثابا مفاسد اخلاقی قابل توجهی به دنبال نداشته باشد، فی الجملة و اجمالا مورد قبول عقلاء و خردمندان عالم در همه زمان‌ها و مکان‌ها بوده و همه آن‌ها در سلوک عملی خودشان پای‌بند به چنین اصلی بوده و هستند. در ادامه مبانی و ریشه‌ها و دلایل پای‌بندی به چنین سیره و بنایی از سوی عقلاء، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

### (۱) قاعده اختلال نظام:

اختلال در لغت به معنای ناقص بودن یا شدن، مختل شدن، آشفته و بی نظم شدن و به هم خوردن نظم و سیستم است. (آذرنوش، ۱۳۹۳: ۲۷۳) نظام نیز در لغت به معنای نخ کردن و به رشته در آوردن مروارید، مرتب کردن، آراستن، همگون کردن، سازمان دادن و... به کار می‌رود. (همان، ۱۰۹۶)

منظور از اختلال نظام در اینجا هر فعل یا ترک فعلی است که ارتکاب آن موجب مختل شدن نظم جامعه و زندگی مردم شود؛ به عبارت دیگر انجام آن موجب ایجاد بی‌نظمی و آشفتگی در نظام اجتماعی گردد. عقلای عالم متفق القول اند که هرکاری که چنین تبعاتی برای زندگی اجتماعی مردم داشته باشد، باید از آن جلوگیری کرد. به نظر می‌رسد که عدم پوشش و یا حتی پوشش نامناسبی که مفاسد اخلاقی در جامعه به دنبال داشته باشد، یکی از مصادیق نفی شده توسط این قاعده خواهد بود، چرا که مقایسه آمارهای تجاوز و تعرض به زنان و عدم احساس امنیت و آرامش ایشان در فضاهای عمومی، محیط کار، محوطه دانشگاه و... در کشورهای اسلامی پایبند به حجاب و غیر اسلامی یا جوامع بی‌قید نسبت به مسأله پوشش نشان می‌دهد، هرچه جامعه‌ای حساسیت کمتری نسبت به موضوع پوشش داشته و زنان در آنجا آزادانه‌تر در جامعه حضور داشته‌اند، میزان این جنایات به شکل معناداری بیشتر شده است. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۷: ۳۹-۴۱) و (رجبی، ۱۳۸۹: ۱۰۷)

وجوب حفظ نظم و نظام جامعه و جلوگیری از اختلال در زندگی مردم، یکی از مسلمات فقه اسلامی است و فقها بر اساس این قاعده، هر موضوعی را که موجب اختلال نظام شود، حرام دانسته‌اند (انصاری، ۱۴۲۰، ق، ۷۲۰/۲)

این قاعده حتی مختص جامعه اسلامی هم نیست، بلکه شامل غیر مسلمانان نیز می‌شود؛ زیرا با توجه به خاستگاه عقلی این قاعده به‌دست می‌آید که منظور از نظام معاش مردم، تنها نظام معاش مسلمانان نیست؛ بلکه هر جامعه‌ای را با هر مذهب و مسلکی شامل می‌شود. بنابراین، اگر کسی در

کشور غیرمسلمان هم زندگی می‌کند، حق اختلال در نظام معاش جامعه غیرمسلمان را ندارد. چراکه داشتن نظام برای ادامه حیات، حق هر انسانی است و اختلال نظام، به‌نوعی نادیده گرفتن این حق مسلم است. (باقی‌زاده و امیدی فر، ۱۳۹۳: ۱۷۰)

در جامعه‌ی اسلامی، پای بندی به این قاعده، برای حفظ عفت عمومی و شخصی ضرورتی شرعی و اخلاقی است؛ به طوری که بی‌توجهی به آن مخل به امنیت روانی شهروندان و نظام اجتماعی به‌شمار می‌آید. همچنین عقلای عالم نیز از هر صنف و کیشی در همه ادوار تاریخ، بر ضرورت و لزوم حفظ آرامش، نظم و امنیت عمومی، و نیز پرهیز از بی‌نظمی و هرج و مرج اتفاق نظر داشته و اگر کسی برخلاف این قاعده عمل کرد، او را مستحق توبیخ و مجازات می‌دانند (همان: ۱۸۰-۱۷۰)

از آنجا که قواعد دینی نیز بر اساس مصالح و مفاسد واقعی بنا شده است، اسلام نیز پوشش را برای زنان و مردان واجب دانسته است. هرچند به دلیل تحریک پذیری و اختلال بیشتر جامعه در صورت عدم پوشش بانوان، مقدار پوشش ایشان (همه بدن به جز وجه و کفین) بیش از مردان تعیین شده است.

امروزه شاهد این هستیم که همه جوامع حتی جوامع غیر دینی، خود را ملزم به رعایت میزانی از پوشش کرده‌اند؛ به طوری که اگر افراد به صورت برهنه و یا با لباس‌های زیر نامناسبی که تبعات منفی فاحشی به دنبال داشته باشد، در مجامع عمومی ظاهر شوند؛ توسط پلیس بازداشت می‌شوند.

## ۲) لزوم محافظت زن از شخصیت اجتماعی خود

شاید در اینجا سوال شود که زن چه امر ارزشمندی دارد که پوشش غیر مناسب، آن را در معرض تهدید قرار می‌دهد؟ در پاسخ باید گفت که اولاً به زن به عنوان شخصیتی که می‌تواند مهمترین نقش و کارکرد را در پیشرفت و تعالی جامعه ایفا کند، باید به چشم یک انسان نگریده شود، نه یک شیء، در حالی که پوشش نامناسب بانوان نوعی نگاه ابزاری و شیء انگارانه به ایشان را در جامعه ترویج می‌دهد. ثانیاً زن به عنوان یک انسان، قطعاً لایق بالاترین احترام‌ها و همچنین تامین امنیت در جامعه هستند، به طوری که بتوانند با خیالی آسوده در جامعه به تحصیل و کسب و کار و... بپردازند؛ اما همان‌طور که بارها در جامعه مشاهده شده است، پوشش نامناسب ایشان هر دو مقوله را به خطر می‌اندازد. البته حفاظت دارای مراتب است و متناسب با مقدار پوشش است، هرچه پوشش بیشتر باشد؛ حفاظت بهتری نتیجه می‌شود.

شهید مطهری در ارتباط با مراتب پوشش و نقش آن در حفاظت از ارزشهای زن می‌نویسد: «استفاده زنان از روپوش‌های بزرگ که بر سر افکنده‌اند، دو جور بوده است: یک نوع صرفاً جنبه تشریفاتی و اسمی داشته است همان گونه که در عصر حاضر، بعضی از بانوان چادری را می‌بینیم که چادر داشتن آنها صرفاً جنبه تشریفاتی دارد؛ با چادر هیچ جای بدن خود را نمی‌پوشانند، بلکه آن را رها می‌کنند. وضع چادر بر سر کردن شان نشان می‌دهد که اهل پرهیز از معاشرت با مردان نامحرم نیستند و از اینکه مورد بهره برداری چشم‌ها قرار بگیرند، امتناعی ندارند. نوع دیگر بر عکس بوده و هست که زن آنچنان با مراقبت، جامه‌های خود را می‌گیرد، و آن را رها نمی‌کند که نشان می‌دهد که اهل عفاف و حفاظت است. خودبه‌خود دورباشی ایجاد می‌کند و ناپاک دلان را مأیوس می‌سازد» (مطهری، ۱۳۹۶: ۱۷۶). بنابراین حجاب اسلامی به عنوان کاملترین و بهترین نوع پوشش موجب بهترین حفاظت از زن می‌شود.

«زن مسلمان تجسم حرمت و عفت در جامعه است. حفظ پوشش، احترام نهادن به زن و محفوظ نگه داشتن وی از نگاه‌های ناپاک است. چنانچه زن حدود را رعایت نکند، هر بیمارذلی در او طمع نموده و با نگاه آلوده اش حریم زن را می‌شکند. شخصیتی که باید سالم بوده و نسل سالم را تربیت نماید، تحت تأثیر دیده‌های آلوده به گناه، به طرف شهوت سوق داده شده، هویت خود را فراموش می‌کند و در چنگال بیماردلان و هوسبازان گرفتار می‌شود، چنان که از منش انسانیت سقوط کرده و به گرداب حیوانیت فرو می‌رود» (باقی‌پور، ۱۳۸۳: ۵۶)

به تعبیر آیت الله جوادی آملی (حفظه‌الله) زن باید درک کند که حجاب او نه متعلق به خود و نه شوهرش است که بخواهد از آن صرف نظر کند، بلکه حقی الهی است که موجب جلوگیری از رواج فساد اخلاقی و شهوترانی در جامعه می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۴۳۶)

### ۳) مقدم بودن حقوق جامعه بر حقوق فردی

عقل حکم می‌کند که در تراحم و تعارض بین حقوق فردی و اجتماعی و آزادی فرد و جامعه، حقوق جامعه مقدم شود. یعنی خواسته جمع بر فرد مقدم است. در صورتی که حجاب وجود نداشته باشد، جامعه و به خصوص خانواده به عنوان مهمترین بنیان جامعه، در معرض خطر و سقوط قرار می‌گیرد و زمینه انحرافات اخلاقی و جنسی فراهم می‌گردد. زیرا مردان بیشترین لذت را از طریق دیدن می‌برند و جامعه بدون پوشش، چشم‌های مردان را پر می‌کند و انحرافات افزایش می‌یابد. پس عقلاً زنان باید برای حفظ سلامت روانی و اجتماعی جامعه؛ از خودآرایی، خودنمایی و تبرج بپرهیزند.

### ۳. دلایل جامعه‌شناسان بر ضرورت پوشش در اجتماع

اریک فروم انسان رشد یافته را انسان بارور (Productive person) معرفی می‌کند و در تعریف او می‌گوید: وی انسانی است که نیازهای روانی اش را از راه‌های بارور و زیبا و خلاق ارضا می‌کند. (شاملو، ۱۳۹۱: ۱۲۲) توضیح این‌که مقصود از راه‌های بارور و خلاق، راه‌هایی است که ما را به سوی نمودهای رشد و تعالی راهنمایی کند.

به عقیده اریک فروم مؤثرترین عامل در رشد شخصیت انسان برآوردن معقول نیازهای روانی است که حیوانات پست این نوع نیازها را ندارند. انسان سالم نیازهای روانی - نه نیازهای جسمانی مانند گرسنگی، تشنگی، جنسی و...- خود را از راه‌های خلاق ارضا می‌کند و اشخاص ناسالم از راه‌های نامعقول. (رزی‌فام و دهقان، ۱۳۹۳: ۱۲۵)

اکنون باید دید فرصت رشد شخصیت با رعایت حجاب بیش تر فراهم می‌گردد یا با عدم رعایت آن؟ انسانی که پیوسته نگران زیبایی خود است و بیش تر در جهت معرفی پیکر خود می‌کوشد، بهتر می‌تواند قابلیت‌های خود را بشناسد و به فعلیت برساند یا آن که سر در باغ اندیشه دارد؟ آیا توجه به نیازهای جسمانی و سطحی به انسان امکان رشد می‌دهد یا توجه به نیازهای عالی و مخصوص انسان‌ها؟ آیا غرق شدن در خود نمایی و جلب توجه دیگران مسیر منتهی به یافتن خویشتن است؟ (همت افزا، ۱۳۹۹: ۲)

#### ۱) اجتماعی بودن پوشش (بیانگر هویت، مذهب و فرهنگ)

حجاب و پوشش یک واقعیت اجتماعی است که حاوی فرهنگ، ارزش‌های اخلاقی و و باورهای مذهب‌بیست. مسأله پوشش و حجاب جایگاه ویژه‌ای در مسائل روز دنیا و در فرآیند جهانی شدن و پست مدرنیته دارد، به طوری که مرزهای فرهنگی بین شرق و غرب و مسلمان و غیر مسلمان را درنوردیده است و شامل مباحث و نظریات مناقشه برانگیز و قابل بحثی است که بر مسائل پست مدرنیستی از قبیل سبک، نمادشناسی، مصرف گرایی، و مسائل قدرت و بازنمود آن تاثیر دارد. (واتسون، ۱۳۸۲: ۳۱)

لباس هر انسان پرچم کشور وجود اوست، پرچمی است که او بر سر در خانه وجود خود نصب کرده است و با آن اعلام می‌کند که از کدام فرهنگ تبعیت می‌کند. (حدادعادل، ۱۳۸۶: ۴۰)

در هر جامعه‌ای نیک و بد، زیبا و زشت، شرافتمندانه و ننگبار و به طور کلی ارزشهای معلوم و معین وجود دارد، ارزشهای اجتماعی به عوامل و عناصری اطلاق می‌شود که اکثریت جامعه به

اهمیت و اعتبار آن پی برده و به صورت واقعیات و اموری در آمده اند که نیازهای مادی و معنوی افراد جامعه را برآورده می‌سازند، به بیانی دیگر هر چیزی که برای یک نظام اجتماعی مورد نیاز، محترم و مقدس، خواستنی و مطلوب تلقی شود، جزء ارزشهای آن جامعه است. (ستوده، ۱۳۸۰: ۲۴)

بنابراین کسی نمی‌تواند پوشش را یک امر فردی تلقی کند و مدعی شود که پوشش یا عدم پوشش و یا نوع پوشش او در جامعه، یک امر کاملاً شخصی است و دیگران حق دخالت در آن را ندارند. با این مقدمات روشن می‌شود که عقلای هر جامعه ای برای حفظ فرهنگ‌ها، ارزش‌ها و حفظ هویت ملی و احیانا مذهبی خود، قطعاً قوانین خاصی را برای پوشش وضع می‌کنند تا وجهه خود را در سطح ملی و بین‌المللی حفظ نمایند.

## ۲) نسبت میان پوشش و رویکرد عرضه و تقاضا

هر قدر زیبایی‌های زنان، بیشتر در دسترس مردان باشد، به معنای عرضه بیشتر در برابر انظار متقاضیان است. و این امر بیانگر این پیام (هرچند معمولاً ناخواسته) از جانب زنان بالقوه بزه دیده به مردان بالقوه کجرو است که آن‌ها به راحتی به این نوع زنان دسترسی پیدا کنند. در این صورت امکان نقض هنجار سهل تر و کم هزینه تر می‌گردد. پس بی‌حجابی یا بدحجابی به معنای عام، عرضه هرچه بیشتر است. یکی از راه‌های کاهش عرضه، رعایت حجاب به معنای عام آن (پوشش اندام و زبان‌دار نبودن رفتار) است، چرا که فرصت‌های هنجارشکنی را از دست کجروان می‌گیرد. (صفار دستگردی، ۱۳۸۹)

بنابراین پوشش نامناسب بانوان به نوعی عرضه فراوان و سهل الوصول و کم هزینه را برای افراد، به خصوص جوانان فراهم می‌کند که این امر عواقب فراوانی از جمله بی‌ثباتی ازدواج‌ها (همان‌طور که در بحث استحکام خانواده اشاره گردید)، بالا رفتن سن ازدواج و .... را در پی خواهد داشت؛ زیرا پسر جوان نیازهای جنسی و عاطفی خود را به راحتی در چنین اوضاعی، با کمترین هزینه برطرف می‌کند و به هیچ وجه زیر بار هزینه سرسام آور ازدواج و مسئولیت‌های ناشی از آن نخواهد رفت.

## ۴) بررسی برخی شبهات جدید اجتماعی در زمینه حجاب در نظام جمهوری اسلامی

**شبهه:** شبهه (بر وزن فَعَلَه) به معنای مثل و نظیر است. شبهه در لغت به معنای مشابهت و پوشیدگی است. معانی دیگری چون اشتباه، احتمال اشکال و شک نیز دارد و همچنین چیزی که حق و باطل در آن معلوم نیست را شبهه می‌نامند. (معین، ۱۳۹۲: ذیل واژه شبهه)

اما در اصطلاح شبهه یعنی هر اشکال، پرسش یا ابهامی که در برداشت‌ها، تحلیل‌ها، تصمیمات و رفتارهای مرتبط با سعادت فرد یا جامعه منشأ خطا و اشتباه در شناخت حق از باطل گردد. به عبارت دیگر شبهه خود را شبیه به حق می‌نمایاند و راه شناخت حق از باطل را مشکل و افراد را دچار شک و تردید می‌کند. (سجادی، ۱۳۶۶: ۲/۱۰۳۷)

### الف) تعارض حجاب اجباری با حقوق بشر و آزادی انتخاب اشخاص: یکی از اصلی

ترین و جدی‌ترین شبهاتی که در مورد حجاب مطرح شده، این است که اساساً حجاب و پوشش آن هم به صورت اجباری و اکراهی، با مفاد کنوانسیون حقوق بشر و همچنین آزادی بشر در انتخاب سبک و شیوه زندگی منافات دارد.<sup>۱</sup>

پاسخ: از آنچه تا اینجا بیان شد، اجمالاً پاسخ این شبهه مشخص گردید، زیرا وقتی ما نشان دادیم که پوشش مناسب افراد در جامعه دارای آثار و ثمرات گوناگونی است، در این صورت نمی‌توان به اسم آزادی و با شعار حقوق بشر همه این فواید را نادیده گرفت و زیر پا گذاشت و قوانین را بر اساس امیال نفسانی بعضی افراد جامعه تعریف کرد. کدام کشور آزاد و متمدن اجازه می‌دهد تا با شعار آزادی، در تلویزیون به مردم آموزش ساخت مواد مخدر و یا مواد منفجره را بدهند؟ دلیلش این است که وقتی مضرات امری بیشتر از فوایدش بود و مصالح جامعه در منع و مخالفت با آن امر قرار داشت، عقلای جامعه این‌جا آزادی را مقید به قیودی از جمله قیود اخلاقی و ... می‌دانند تا کسی نتواند به بهانه آزادی، سلامت جسمی و روانی یک جامعه را به خطر اندازد.

۱) این شبهه و چند شبهه دیگر مطرح شده در این قسمت، با توجه به رصد کانال تلگرامی مسیح علی‌نژاد و جنبش چهارشنبه‌های سفید، ذکر گردیده است. چهارشنبه‌های سفید کارزاری اجتماعی با هدف مبارزه با حجاب اجباری در جمهوری اسلامی است که در سال ۱۳۹۶ هجری شمسی، توسط مسیح علی‌نژاد، بنیانگذار پوشش آزادی‌های یواشکی، که آن هم جنبشی آنلاین با هدفی مشابه بود، با هدف آوردن اعتراضات علیه حجاب، به متن جامعه و خیابان پایه‌گذاری شد. معصومه علی‌نژاد قمی، زاده ۲۰ شهریور ۱۳۵۵ در بابل (معروف به مسیح علی‌نژاد)؛ خبرنگار، روزنامه‌نگار، نویسنده، مجری تلویزیونی، فعال حقوق زنان و فمینیست اهل ایران است. او بنیان‌گذار و طراح جنبش‌های آزادی یواشکی و چهارشنبه‌های سفید با هدف آزادی حجاب و رفع حجاب اجباری در ایران است. او خبرنگاری را از سال ۱۳۸۰ با روزنامه همبستگی آغاز کرد و بعد از آن با اینلنا همکاری کرد. از او در روزنامه‌های شرق، بهار، هم‌میهن و اعتماد ملی نیز نوشته‌هایی منتشر شده‌است. علی‌نژاد در مجلس شورای اسلامی ششم و هفتم، خبرنگار پارلمانی بود. (<https://fa.wikipedia.org>)

بنابراین آزادی زن برای حضور موثر در اجتماع، با رعایت حجاب اسلامی، محفوظ است.

### ب) لزوم مبارزه با قوانین نادرست و عدم تبعیت از آنها

شبهه دیگری که به تازگی از سوی برخی مخالفین حجاب مطرح می‌شود، این است که ما قبول داریم که رعایت حجاب اسلامی در جمهوری اسلامی یک قانون است، اما چه کسی گفته که هر چیزی که شکل قانون به خود گرفت باید حتماً از آن تبعیت کرد؟ مثلاً برده داری در جوامع مختلف و یا تبعیض نژادی میان سیاه پوستان و سفید پوستان سال‌ها در آمریکا به صورت کاملاً قانونی رواج داشت. اگر همه به این قوانین ناعادلانه تن می‌دانند، امروز شاهد از بین رفتن این قوانین متحجرانه نبودیم. پس باید در مقابل قوانین غیر انسانی که با عقل انسان متمدن امروزی جور در نمی‌آید؛ ایستاد و آن‌ها را تغییر داد و قانون حجاب در ایران که سلب آزادی از انسان‌ها می‌کند، قطعاً یکی از مصادیق این قوانین ظالمانه است. (ن ک: پاورقی ذیل شبهه اول)

پاسخ: در پاسخ باید گفت اولاً قیاس صورت گرفته میان برده داری و یا تبعیض نژادی با حجاب، مع الفارق است، زیرا آن‌ها قوانینی بوده‌اند که شاید در بسیاری از موارد، مستلزم زیر پا گذاشتن کرامت انسانی و حق آزادی افراد بوده‌اند، اما حجاب و پوشش مناسب همانگونه که بیان شد، دارای فواید و ثمرات فراوانی برای جامعه و شخص است؛ به طوری که هر شخص عاقل و منصفی به این ثمرات اقرار می‌کند. ثانیاً حتی اگر حق با شما باشد و حجاب قانونی ظالمانه باشد، راه مبارزه با آن بی قانونی و ایجاد هرج و مرج در جامعه نیست، بلکه هرکشوری برای تغییر قوانین، راه‌های مسالمت آمیز و صحیحی را پیش بینی کرده است که افراد می‌توانند از آن طریق و از مسیر قانونی پیگیر تغییر قوانین باشند. آیا اگر کسی با قانون منع خرید و فروش سلاح، قاچاق مواد مخدر، قاچاق اعضای انسان، استعمال مواد مخدر، عیاشی و ... مشکل داشته باشد و آن را ظالمانه و نادرست بداند، میتواند این امور را در جامعه انجام داده و دیگران را نیز بدان دعوت کند و سپس در دادگاه بگوید، به عقیده من این امور بی اشکال و درست بوده است؟

ثالثاً هرچند عدم التزام به حجاب شرعی در اجتماع، مطابق قوانین وضع شده در ایران (مانند ماده ۱۰۲ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ و ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی) جرم تلقی شده و برای آن مجازات در نظر گرفته شده است، اما ما هم معتقدیم که جلوگیری از این جرم نیز مانند سایر جرایم، نیازمند پشتوانه‌های فرهنگی و بسترسازی‌های اجتماعی است و نباید فقط از قوه قهریه در این مسیر استفاده کرد. بنابراین شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۸۴، قانون

راهکارهای اجرایی گسترش فرهنگ عفاف و حجاب با هدف درونی و نهادینه کردن حجاب و عفاف، با مشارکت و توجه جدی همه نهادها و دستگاه‌ها به صورت مستمر و هدفمند، و همچنین مشخص کردن وظایف تخصصی دستگاه‌های قانونگذار و اجرایی را در قبال موضوع حجاب، به تصویب رساند. (اسدی، ۱۳۸۴: ۴۸-۷۴)

رابعا جرم بودن بی حجابی، از این باب است که ارکان جرم را دارد. زیرا رکن قانونی (قوانین مصوب)، رکن مادی (آسیب دیدن سلامت روانی و امنیت اخلاقی جامعه) و رکن معنوی (نیت مخالفت با قانون) را دارد. از مقوله ای صرفاً فرهنگی و دینی، به قانون تبدیل شده، و در نتیجه هرگونه اقدام عملی و برخورد با مخالفین، در چهارچوب قانونی آن قابل تعریف و توجیه خواهد بود. البته هر قانونی ممکن است نقایصی در محتوا یا شیوه اجرا و... داشته باشد. اما این به منزله جوازی برای کنار گذاشتن قانون نیست. (همان، ۶۸)

**ج) لزوم آزادی زنان در میزان پوشش و در عین حال تامین امنیت آنان از سوی حکومت**  
وقتی که ما در مورد فواید پوشش از جمله امنیت و آرامش و عدم دست درازی و تعرض به ایشان در محیط کار و تحصیل و ... برای مخالفان حجاب صحبت می‌کنیم، ممکن است کسی این‌طور بگوید که این دلایلی که شما گفتید دلیلی بر محدودیت زنان و سلب آزادی آنان نمی‌شود، بلکه ما باید زنان را آزاد بگذاریم تا هرطور که خواستند در ملاء عام حاضر شوند و در عین حال حکومت هم وظیفه دارد امنیت کامل زنان را همواره تامین کند؛ تا کسی مزاحمتی برای ایشان ایجاد نکند و آن‌ها بتوانند آزادانه و با پوششی مطابق میلشان در اجتماع حضور یابند. (ن ک: پاورقی ذیل شبهه اول)

پاسخ: چنین درخواستی عملاً نشدنی است، زیرا هیچ کشوری به این اندازه نیروی نظامی و امنیتی ندارد تا بتواند ۲۴ ساعته در تمام خیابان‌های شهر و کوچه و پس کوچه و محل کار و محیط دانشگاه و ... امنیت زنان را تامین کند، به همین دلیل است که حتی کشورهایی که آمار پایینی در جرم و جنایت دارند، نتوانسته‌اند جلوی پدیده تجاوز، تعرض، متلک‌های جنسی و ... را در کشورشان بگیرند. همچنین باید در نظر داشت که بعضی اوقات این جرایم جنسی از سوی خود ماموران پلیس و ... که قرار بوده تامین کننده امنیت باشند رخ داده است و دلیل آن هم این است که آن‌ها نیز به هر حال انسان هستند و دارای قوه شهوت و امکان دارد در اثر تحریک، عنان از کف داده و خودشان متعرض بانوان شوند؛ بنابراین عقل سلیم حکم می‌کند که پیشگیری، بهتر از درمان است و شخص

می‌تواند با استفاده از پوششی مناسب و شایسته یک زن، وارد جامعه شود و بدون اینکه نظر دیگران را جلب کند و یا امنیت و آرامش خود را به خطر بیندازد، به فعالیت روزمره خود بپردازد.

انسان به عنوان عضوی از جامعه، باید تابع ضوابط روابط اجتماعی باشد تا وظیفه فردی خود را در برپا کردن آرامش و امنیت در جامعه انجام داده باشد. نمی‌شود که هرکسی هر کاری را مطابق میل خود در جامعه انجام دهد و در عین حال از حکومت انتظار تامین امنیت و... را داشته باشد. هدف از وجوب حجاب اسلامی نیز، ایجاد صلاح و پیشگیری از فساد، جهت تأمین و گسترش امنیت اجتماعی است. زیرا کارکرد پوشش و حجاب اسلامی، فقط فردی نیست، بلکه کارکرد اجتماعی آن و آثار و فواید آن در جامعه نیز انکار ناپذیر است. (روح افزا، ۱۳۹۵)

#### د) تکرر قرائات در مورد حدود حجاب اسلامی در جوامع مسلمان

شبهه جدید دیگر در مورد تکرر قرائات در حدود حجاب اسلامی در حکومت‌های مختلف مسلمان است. می‌گویند ما وقتی به وضعیت پوشش در جوامع مختلف اسلامی می‌نگریم، تکرر غیر قابل انکاری را در حد پوشش آن‌ها مشاهده می‌کنیم، به طوری که بعضی جوامع اسلامی مانند ایران، به لزوم پوشش تمام بدن (به جز وجه و کفین) برای زنان قائلند اما مثلاً ترکیه و بعضی کشورهای عربی پوشاندن سر و حتی بازو یا زیر چانه و... را برای زنان ضروری نمی‌دانند. پس معلوم می‌شود که میان خود مسلمانان نیز در مورد حجاب اتفاق نظری وجود ندارد. (ن ک: پاورقی ذیل شبهه اول)

پاسخ: در پاسخ باید گفت اولاً در اینجا خلطی میان نظر اسلام و حکومت‌های اسلامی در موضوع حجاب و پوشش صورت گرفته است، زیرا اگرچه دولت‌های اسلامی به دلایل فراوان هرکدام حد خاصی از حجاب را در کشورشان ضروری دانسته‌اند، اما قاطبه علمای اسلامی، اعم از شیعه و سنی در موضوع حجاب اشتراک نظر دارند (پوشش تمام بدن به جز وجه و کفین) و حتی بعضی مفسران شیعه و سنی بعضاً پوشاندن صورت را نیز واجب دانسته‌اند. (مغنیه، ۱۴۲۱ق: ۸۶) پس نباید میان تصمیم دولت‌ها و حکومت‌ها یا رفتار مردم، با نظر اسلام خلطی صورت گیرد.

ثانیاً اصل حجاب، چون مستند به قرآن است و قرآن برای تمام مسلمانان معتبر است؛ پس اصل وجوب حجاب اجماعی است. همچنین طبق آنچه از جناب مغنیه در بالا نقل شد؛ فرق مختلف اسلامی در حدود حجاب نیز اشتراک نظر هستند و تازه اگر اختلاف نظری هم وجود داشته باشد، مبنای ما شیعیان در ایران، قرائت شیعه ۱۲ امامی است. روایات و شواهد فراوان دیگری نیز که مورد قبول فریقین است وجود دارد که همگی نشان‌گر لزوم رعایت حجاب توسط

زنان مسلمان می‌باشد. ثالثاً اکثر کشورهای مسلمان، دارای حکومت‌های اسلامی نیستند و قوانینشان لزوماً بر اساس اسلام نیست.

رابعا از آن‌جا که پوشش امری اجتماعی است (نه شخصی) و دارای کارکردها و آثار مثبت و منفی اجتماعی است، یک حکومت اسلامی مانند جمهوری اسلامی ایران که خود را ملزم به رعایت قوانین الهی می‌داند، حق دارد که با وضع قوانینی، در جهت سازماندهی آن، گام بردارد.

### نتیجه‌گیری

ضرورت پوشش به عنوان یک امر اجتماعی، به خصوص برای زنان و بالاخص در جامعه و انظار عمومی از جمله مواردی است که عقلای عالم شک و تردیدی در آن ندارند، هرچند شاید جوامع دیندار نسبت به جوامع غیر دینی، سختگیری بیشتری را در این امر از خود نشان دهند. یکی از مهمترین عوامل مخالفت با حجاب و همچنین بدحجابی در جمهوری اسلامی ایران، طرح شبهات مختلف از سوی مخالفین حجاب و جریانات معاند است که در این پژوهش پس از بررسی مصالح حجاب و مفاسد بی‌حجابی در جامعه، اهم شبهات اجتماعی مطرح شده مانند تعارض حجاب با آزادی و پیشرفت بانوان، برداشت‌های مختلف مسلمانان از حجاب اسلامی، نادرستی استناد به قانونی بودن حجاب و... بررسی گردید و سعی شد تا با تبیین صحیح و کامل هر یک، پاسخی قانع کننده و شایسته به آن داده شود.

در این بررسی مشخص گردید که نه تنها حجاب اسلامی با آزادی حقیقی و پیشرفت و ارتقای راستین بانوان تعارضی ندارد، بلکه بانوان می‌توانند با رعایت حجاب اسلامی (در کنار عفاف و حیاء که رابطه مستقیمی با حجاب دارد) در جامعه حاضر شده و پیشرفت علمی، مادی و معنوی داشته باشند و در عین حال حریم جامعه و خانواده را نیز از هرگونه رجس و پلیدی و فساد، مصون نگه دارند.

البته در بسیاری از اوقات دیده می‌شود که سیاست‌مداران و قانونگذاران یک جامعه، مصلحت و مصالح مردم خود را فدای مطامع سیاسی و اقتصادی خود می‌کنند، و مثلاً برای کسب محبوبیت میان مردم و یا استفاده ابزاری از زنان به عنوان نیروی ارزان قیمت در کارخانه‌ها و بازار کار و استفاده از جاذبه جنسی زنان برای تبلیغ و فروش بیشتر محصولات خود و ساختن فیلم‌های غیر اخلاقی که امروز در کنار مواد مخدر به عنوان پرسودترین تجارت محسوب می‌شود و... دم از

آزادی زنان و مقدس بودن حق انتخاب پوشش آنان می‌زنند، در حالی که اگر نقاب فریب و دغل از چهره زشتشان کنار رود مشخص می‌شود که این‌ها هرگز نگران حق آزادی و انتخاب زنان نیستند، بلکه فقط منافع اقتصادی و مقاصد سیاسی خود را دنبال می‌کنند.

اما به رغم همه مخالفت‌ها، برای بسیاری از زنان مسلمان، حجاب نماد مقاومت زنان در برابر فرهنگ تحمیل شده به جهان اسلام به شمار می‌رود و اکنون در بین زنان مسلمان، به‌خصوص مسلمانان ساکن در کشورهای غربی، حجاب نماد دین‌داری، اسلام‌گرایی، و نفی فرهنگ غرب است. بنابراین امامین انقلاب با درک عمیق اهمیت مسأله‌ی حجاب و مصالح فراوان آن برای فرد و جامعه که مورد تایید عقلای جامعه و جامعه‌شناسان و روانشناسان اجتماعی نیز هست، همواره بر آن تاکید ورزیده و در تدوین سیاست‌های نظام به آن توجه داشته و توجه مضاعف مسئولان به این مسأله را مطالبه کرده‌اند.

## منابع

- قرآن کریم.
- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۹۳). فرهنگ معاصر عربی- فارسی. چاپ شانزدهم، تهران: نشر نی.
- ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۳۷۵ق). لسان العرب، بیروت: دارالفکر.
- اسدی، لیلا (۱۳۸۴). بررسی قوانین کیفری ایران در امر پوشش مردم. ندای صادق علیه السلام، ۱۰ (۴۰)، ۷۴-۴۸.
- امام خمینی، روح الله (۱۳۶۲). صحیفه نور. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره).
- انصاری، مرتضی (۱۴۲۰ق). فراندالاصول. قم، مجمع الفکر الاسلامی.
- باقی پور، فاطمه سادات (۱۳۸۳). نکاتی در باب حجاب، پیام زن، ۱۳ (۱۴۶)، ۶۲-۵۶.
- تقفی، محمد (۱۳۹۸ق). تفسیر روان جاوید. نشر برهان.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۷). دانش خانواده و جمعیت، قم: نشر معارف.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). زن در آینه جلال و جمال. قم: نشر اسراء.
- حداد عادل، غلامعلی (۱۳۸۶). فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی. تهران: نشر سروش.
- رجبی، عباس (۱۳۸۵). بررسی رابطه حجاب با سلامت روانی زن. شمیم یاس، ۱۰ (۴۰)، ۱۳-۳۶.
- رزی فام و دهقان، حسین و علی (۱۳۹۳). نشانه‌های رشد و تباهی در شعر سیمین بهبهانی بر اساس نظریه اریک فروم، پژوهشهای نقد ادبی و سبک‌شناسی، ۵ (۱۷)، ۶۳-۹۴.
- روح افزا، فرشته (۱۳۹۵). نقش عفاف و حجاب در تأمین آرامش و امنیت اجتماعی. روزنامه کیهان، ۲۵ بهمن.
- زبیدی، مرتضی (۱۹۹۴م). تاج العروس فی جواهر القاموس، بیروت، دارالفکر.
- ستوده، هدایت الله (۱۳۸۰). آسیب‌شناسی اجتماعی. تهران: نشر آوای نور.
- سجادی، سید جعفر (۱۳۶۶). فرهنگ معارف اسلامی. چاپ افست.
- شاملو، سعید (۱۳۹۱). مکتب‌ها و نظریه‌ها در روانشناسی شخصیت. تهران: نشر رشد.
- صدر، محمد باقر (۱۴۱۷ق). بحوث فی علم الاصول. چاپ سوم، قم: موسسه دائره المعارف الفقه الاسلامی.
- صفار دستگردی، مهدی (۱۳۸۲). بدحجابی در نگرش جامعه‌شناختی. مطالعات راهبردی زنان، ۶ (۲۲)، ۹۱-۱۰۶.
- طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، چاپ ۵، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبائی، محمد حسین (۱۳۷۵). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

- مطهری، مرتضی (۱۳۷۹). مجموعه آثار. تهران: نشر صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۶). مساله حجاب. نوبت چاپ ۱۱۴، تهران: نشر صدرا.
- معین، محمد (۱۳۹۲). فرهنگ فارسی معین. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۱). الفقه علی المذاهب الخمسه، بیروت: نشر دارالجواد.
- واتسون، هلن (۱۳۸۲). زنان و حجاب. ترجمه مرتضی بحرانی، مطالعات راهبردی زنان، ۶ (۲۰)، ۳۳۰-۳۰۹.
- ولایی، عیسی (۱۳۸۷). فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول. چاپ ششم، تهران: نشر نی.